

A Comparative Study of Death Hearing from the Point of View of Mohammad Shafi Osmani and Ayatollah Javadi Amoli

Mohammad Tayeb Bameri 

Master Graduated of Quranic Sciences and Tradition. Seminary. Sistan and balouchestan university, Zahedan. Iran

Seyd Mohammad Hossein Moosavi 

Faculty of Quranic Sciences and Tradition. Seminary. Sistan and balouchestan university, Zahedan. Iran

Ebrahim Noori *

Faculty of Islamic thoughts. Seminary. Sistan and balouchestan university, Zahedan. Iran

Abstract

Death hearing has several uses, in some verses it refers to the non-hearing of the unbelievers, which in fact means that they are dead, in other verses it refers to the Prophet (PBUH) talking to the bodies of the dead and also to the martyrs being alive after death. Therefore, it is necessary to analyze its dimensions. This research, using a descriptive-analytical method, has compared the views of Mohammad Shafi Osmani and Ayatollah Javadi Amoli on the issue of hearing death and comes to the conclusion that from the point of view of the two commentators, the inability to hear the dead is an allusion to the infidels not hearing the call of truth. It is as if they are dead and cannot hear the truth. The findings of the research show that there is not much difference between these two commentators in the discussed issue. In the interpretation of the teachings of the Qur'an and Tasnim, both commentators refer to the battles of Badr and Uhud and the words that the Prophet of Islam (PBUH) and Hazrat Saleh (PBUH) had with the dead, the martyrs have a purgatory life and are blessed and happy.

Keywords: Death hearing, Martyrs, Unbelievers, Mohammad Shafi Osmani, Javadi Amoli.

*Corresponding Author: enoori@theo.usb.ac.ir

How to Cite: Tayeb Bameri, M., Hossein Moosavi, S. M., Noori, E. (2023). A Comparative Study of Death Hearing from the Point of View of Mohammad Shafi Osmani and Ayatollah Javadi Amoli. *Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Kalam*. 4 (7). 191-217. DOI: 10.22054/jcst.2024.77147.1148



بررسی تطبیقی سماع موتی از دیدگاه محمدشفیع عثمانی و آیت‌الله جوادی آملی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم و قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان. زاهدان. ایران

محمد طیب بامری

استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان. زاهدان. ایران

سید محمد حسین موسوی

دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

ابراهیم نوری *

چکیده

در آیات قرآن سماع موتی، به معانی مختلفی به کار رفته است. در برخی از آیات منظور از سماع موتی شنیدن سخن زندگان توسط مردگان است؛ مانند آیاتی که به سخن گفتن حضرت صالح ع با قوم خود پس از هلاکتشان و خطاب قرار گرفتن کشته‌شدگان جنگ بدر و احد توسط پیغمبر (ص) دلالت دارند. در بعضی از آیات سماع موتی از ایمان نیاوردن کافران و عدم پذیرش سخن حق از سوی آنان حکایت می‌کند. سلفیان با استناد به برخی آیات قرآن، مانند «وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مِّنْ فِي الْقُبُورِ» (فاطر / ۲۲)؛ «لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى» (نمل / ۸۰)؛ «إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ» (فاطر / ۱۴) و ... منکر قدرت شنیداری مردگان شده‌اند. این دیدگاه پیامدهایی مانند انکار جایگاه توسل به پیامبران و اولیاء، زیارت قبور مسلمانان و شفاعت در پی دارد. از این رو ضروری است که آیات مختلف در این زمینه مورد بررسی قرار گیرند. همه مفسران قرآن بر اساس ظاهر آیات قرآن، در مورد شهدا این اصل را می‌پذیرند و اختلاف در مورد سایر اموات می‌باشد که آیا سایر مردگان هم قدرت شنیداری دارند یا خیر؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تطبیقی دیدگاه محمدشفیع عثمانی و آیت‌الله جوادی آملی در مسئله سماع موتی پرداخته است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که اختلاف چندی در مسئله سماع موتی بین این دو مفسر با اینکه از دو مکتب فکری متفاوت هستند، وجود ندارد؛ زیرا هر دو مفسر با استناد به آیات، سخنان پیامبر اسلام (ص) و سخنان حضرت صالح (ع) در این مسئله، شنیدن مردگان را تأیید می‌کنند. علاوه بر این علامه جوادی آملی معتقد هستند شهدا از درجه زندگی برزخی بالاتری برخوردار هستند.

کلیدواژه‌ها: سماع موتی، شهدا، کفار، محمد شفیع عثمانی، جوادی آملی.

۱- مقدمه

میل به جاودانگی از امیال فطری انسان است و پیروان همه ادیان بر این باور هستند که مرگ پایان زندگی انسان نیست. در قرآن کریم، موضوع زندگی پس از مرگ از اهمیت زیادی برخوردار است، به نحوی که حدود یک‌صد و سیزده بار واژه آخرت به کار رفته است. در زمینه مرگ و سرانجام انسان پس از مرگ پرسش‌هایی مطرح است که از آن جمله می‌توان به این مسائل اشاره کرد: آیا مرگ پایان زندگی انسان است؟ آیا انسان فقط جسم مادی است یا دارای روح می‌باشد؟ آیا انسان پس از مرگ می‌تواند بشنود؟ آیا انبیاء، ائمه و اولیای الهی پس از مرگ می‌توانند درخواست متوسلین به آنان را برآورده کنند؟

سلفیان با استناد به برخی آیات قرآن، مانند «وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ» (فاطر/۲۲)؛ «لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى» (نمل/۸۰)؛ «إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ» (فاطر/۱۴) و ...، منکر قدرت شنیداری مردگان شده‌اند. این دیدگاه پیامدهایی مانند انکار جایگاه توسل به پیامبران و اولیا، زیارت قبور مسلمانان و شفاعت در پی دارد.

مسئله زنده شدن مردگان در قیامت (معاد) از اصول دین اسلام است. بر مبنای این اصل، همه انسان‌ها در روز قیامت دوباره زنده می‌شوند اعمال آن‌ها در پیشگاه الهی سنجیده شده و به کیفر یا پاداش اعمال خود می‌رسند. بر اساس آنچه بیان شد پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی سماع موتی از دیدگاه مفتی محمدشفیع عثمانی و آیت‌الله جوادی آملی پرداخته و درصدد پاسخ به این پرسش است که دیدگاه دو دانشمند مذکور در مسئله سماع موتی چه تفاوت و تشابهی دارد؟

۱-۱ بیان مسئله

دو واژه «موت» و «سمع» در آیات قرآن کریم دارای کاربرد و معانی گوناگونی هستند. سماع موتی به معنای شنیدن مردگان یا به گوش مردگان رساندن است و منظور توانایی مردگان در عالم برزخ بر شنیدن صدای زندگان است. این مسئله از جمله مسائل اختلافی مسلمانان است، بر اساس برخی آیات قرآن کریم واژه «موت» به معنای مرگ قلب و عقل (ابزار معرفت) و واژه «سمع» به معنای دانش و درک است نه شنیدن حسی، به نظر می‌رسد

تا قرن هفتم ه.ق عدم شنیدن مردگان از سوی مفسران مسلمان مطرح نبوده است تا اینکه ابن تیمیه بر اساس فهم خود با استناد به برخی آیات بر عدم قدرت شنیداری مردگان استدلال نمود. هم طرفداران سماع موتی و هم مخالفان آن برای اثبات مدعای خویش به آیاتی از قرآن کریم استناد می‌کنند. آیات ۴۵ سوره زخرف: «وَسُئِلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ» و از رسولانی که قبل از تو فرستاده‌ایم (از طریق پیروان یا کتابشان) سؤال کن، آیا غیر از خداوند رحمان، معبودان دیگری برای پرستش مردم قرار داده‌ایم؟ و ۱۶۹ آل عمران: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» ۱۶۹ - (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مرده هستند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. از جمله آیاتی هستند که مدعیان این مسئله بر تایید مدعای خود می‌آورند چنانکه مخالفان نیز به آیاتی همچون ۲۲ سوره فاطر: «وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْواتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ» و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند. خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد، می‌رساند و تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته‌اند، برسانی؛ و ۵۲ سوره روم: «فَأَنْتَ كَأَنْتَ لَمْ تَسْمِعِ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الدُّعَاءَ إِذَا وَكَلُوا مُدْبِرِينَ» پس تو مرده را نتوانی بشنوانی و دعوت خود را به گوش (این) کران که رو می‌گردانند برسانی؛ و ۸۰ سوره نمل: «إِنَّكَ كَأَنْتَ لَمْ تَسْمِعِ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الدُّعَاءَ إِذَا وَكَلُوا مُدْبِرِينَ» پس تو مرده را نتوانی بشنوانی و دعوت خود را به گوش (این) کران که رو می‌گردانند برسانی؛ استناد می‌کنند. در متون روایی نیز روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) از شنیدن مردگان حکایت می‌کنند. یکی از مبانی سماع موتی پذیرش حیات برزخی است. گرچه عالم برزخ مورد پذیرش همه مسلمانان می‌باشد ولی برخی افراد ضمن باورداشتن برزخ مسئله سماع موتی را بر نمی‌تابند. برای رفع چالش‌های پیش رو در مسئله استغاثه و توسل، برخی بزرگان دینی قائل به سماع موتی نشده و سعی دارند با استناد به برخی آیات و روایات، آن را باورمند جلوه دهند و در مقابل، روایات مؤید سماع موتی را به گونه‌ای توجیه کنند. شاید به سبب نگاه حس‌گرایانه و تجربی که به مسئله سماع موتی دارند، نتوانسته‌اند اصل و حقیقت حیات را به روح ارتباط دهند.

آنچه پژوهش در مسئله سماع موتی را ضروری می‌نماید وجود شواهد و قرائن متعارض در این زمینه است، از آنجاکه محمدشفیع عثمانی و آیت‌الله جوادی آملی دو مفسر قرآن و دانشمند اسلام‌شناس می‌باشند استخراج دیدگاه آن دو در مسئله مذکور می‌تواند زمینه‌ساز اقتناع عقلی و ارضاء حس کنجکاوی علاقه‌مندان به این مسئله باشد. همچنین از آنجاکه بر مبنای سماع موتی می‌توان به‌درستی یا نادرستی برخی از مسائل مورد اختلاف میان فرقه‌های مسلمان از قبیل زیارت و توسل به اهل قبور پی‌برد، تحقیق در این زمینه مهم است.

وجه نوآوری این تحقیق، تطبیق رویکرد علامه جوادی آملی با استاد شفیع عثمانی است؛ زیرا بر اساس پیشینه این پژوهش در هیچ‌یک از موارد به بیان رویکرد این دو متفکر پرداخته نشده است.

۲-۱- پیشینه پژوهش

۱) کتاب «الروح» تألیف ابن قیّم جوزیه (۲۰۰۶ م) به‌صورت ضمنی از قدرت شنیداری مردگان دفاع کرده است. در این کتاب نویسنده به دنبال اثبات مسائلی حول روح و نفس با استناد به آیات و روایات می‌باشد.

۲) کتاب «الآیات البینات فی عدم سماع الأموات عند احنفیه السادات» تألیف نعمان بن محمود آلوسی (۲۰۰۵ م)، با توجه به اینکه جمهور مسلمانان معتقدند که اموات، توانایی شنیدن صدای زندگان را دارند.

۳) مقاله سید ضیاءالدین علیانسب، بهروز و رنجبری (۱۴۰۰) با عنوان «بررسی تطبیقی (اسماع و سماع موتی) در تفاسیر فریقین» چاپ دو فصلنامه آموزه‌های قرآنی، می‌باشد و نتیجه می‌گیرد که با توجه به آیات، شهدا هم‌اکنون زنده بوده و در نزد خدا روزی می‌خورند.

۴) مقاله‌ای توسط محمدرضا نقیه و آزاده ابراهیمی فخاری (۱۳۹۹) با عنوان «بررسی تطبیقی آیه ۸۰ سوره نمل در نگاه فریقین با تأکید بر نقد نظریه عدم سماع موتی» در دو فصلنامه پژوهش‌های تفسیری تطبیقی چاپ شده است، نتیجه می‌گیرد که این آیه شریفه،

نه تنها نمی تواند مؤید و مثبتی بر نظریه عدم سماع اموات باشد، بلکه نافی این عقیده است. (۶) مقاله «نقد و بررسی ادله منکرین سماع موتی با محوریت آیات» از حسن سعادت پرور (۱۳۹۶) چاپ دو فصلنامه علمی و پژوهشی سلفی پژوهی، مقاله مذکور نتیجه می گیرد که جمهور اهل سنت و بزرگان سلفیه همچون ابن تیمیه در اثبات شنوایی اموات چنین عقیده ای نداشته و منکر سماع موتی شده اند.

(۷) مقاله «حیات برزخی و سماع موتی مقایسه دیدگاه ابن تیمیه و ابن قیم جوزی با دیدگاه وهابیت» از محمدعلی اخویان (۱۳۹۶) فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش های اعتقادی کلامی، در این اثر مسئله حیات برزخی و مسائل متفرع بر آن همچون توسل به ارواح صالحین و زیارت قبور واکاوی و به تعارض دیدگاه وهابیت با اسلافشان (ابن تیمیه و ابن قیم) در مسئله سماع موتی و برزخ و متفرعات آن پرداخته شده است.

۲- معانی سماع موتی

۲-۱- چیستی موت

موت، مترادف اجل و در لغت به معنای درگذشت است، متضاد موت کلمه حیات (زندگی) است و در اصطلاح به معنای از دست دادن زندگی است. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۱۹۶) «موت» واژه عربی و معادل فارسی آن مرگ می باشد و دارای کاربردهای دیگری نیز می باشد: جدایی روح از جسم و مجازاً درباره ی باد، آتش، تب، گرما، مکان و... (معلوف، ۱۳۷۹: ۷۷۸)

۲-۲- چیستی سمع

از دیدگاه لغت پژوهان «سمع (مصدر)، گوش یا حس شنوایی در گوش که صداها را درک می کند و فعل آن یعنی شنیدن اسمع» است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۳۴۹) سمع و سماع قوه شنوایی و قوه ای است که می تواند صداها را دریابد. قوه مودعه در عصب مفروش در مؤخر صماخ را سمع گویند که وسیله ادراک اصوات است، به این ترتیب سمع به معنای شنیدن مادی یا روحانی است و اولین مرتبه از حصول علم است و فهم و تعقل بعد از آن

صورت می‌گیرد. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۷۸)

۳-۲- چستی سماع موتی

بر اساس بررسی‌ها انجام شده سماع موتی به معنای شنیدن مردگان یا به گوش مردگان رساندن و منظور از آن توانایی مردگان در عالم برزخ بر شنیدن صدای زندگان است. از مبانی سماع موتی، پذیرش حیات برزخی است. «موتی» دارای کاربردهای گوناگون است که با توجه به پژوهش حاضر دو معنا مورد توجه است:

۱. مردگان یعنی کسانی که از دنیا رفته‌اند و بر جسد آن‌ها میت اطلاق می‌شود؛ چون موت در مقابل حیات است و هنگام مرگ جسد می‌میرد و روح در عالم برزخ به زندگی ادامه می‌دهد.

۲. مردگان یعنی گمراهان و افراد بی‌بهره از عقل، مانند کافرانی که مهر بر دل‌هایشان خورده و هدایت ناپذیرند: «إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ». (نمل، آیه ۸۰) مفهوم عدم سماع موتی را می‌توان برای کافرانی که سخن پیامبر را درک نمی‌کنند، به کاربرد و می‌توان برای اجساد بی‌روحي که به خاک تبدیل شده و جز استخوان چیزی از آن برجای نمانده و قابلیت شنیدن اصوات را از دست داده‌اند نیز به کار برد. (مصلحی، ۱۳۹۲: ۴)

بنابراین سماع موتی به معنای شنیدن یا درک کردن و اطاعت مردگان است. در این پژوهش منظور از سماع موتی قدرت مردگان بر شنیدن می‌باشد و درصدد پاسخ به این سؤالات است که آیا مردگان قادر به شنیدن سخن اهل دنیا (زندگان) هستند؟ به عبارت دیگر آیا بازماندگان دنیوی می‌توانند سخنی را به مردگان بشنوند (تفهیم) نمایند؟

۳- نویسندگان تفاسیر معارف القرآن و تسنیم

۱-۳- مفتی محمد شفیع عثمانی

سرزمین نیاکان محمد شفیع عثمانی از روستای سهارنپور هندوستان می‌باشند. وی در ۲۰ شعبان سال ۱۳۱۴ ه. ق چشم به جهان گشود. او فقیهی حنفی و مفتی آگاه به شریعت،

حدیث، تفسیر و تصوف است. وی بعد از مهاجرت از هند با جدا شدن هند و پاکستان، کراچی را به عنوان محل زندگی خود برگزید و سرانجام در شب دهم شوال ۱۳۹۶ هجری دار فانی را وداع گفت. (رفیعی، ۱۳۹۹: ۲) محمد شفیع عثمانی بالغ بر یکصد اثر نوشتاری دارد و یکی از مهم ترین آثار او تفسیر معارف القرآن می باشد. این تفسیر به زبان اردو در ۱۴ جلد دربردارنده ی همه ی سوره های قرآن و مشتمل بر بحث و تجزیه و تحلیل مباحث موجود در منابع معتبر تفسیری است. وی می کوشد مسائل معاصر را به شیوه های جدید و در قالب منطقی و علمی پاسخ دهد به گونه ای که در دیگر تفسیرهای سنتی وجود ندارد.

۲-۳- آیت الله جوادی آملی

آیت الله عبدالله جوادی آملی در سال ۱۳۱۲ ه.ش در شهر آمل استان مازندران به دنیا آمد و محور اندیشه های وی حکمت متعالیه است. وی هماهنگی برهان، عرفان و قرآن را باور دارد و معارف آن ها را باهم ناسازگار نمی بیند. (واعظی، ۱۳۸۷: ۱۶)

علامه جوادی آثار ارزشمندی در علوم و معارف اسلامی دارد که کم نظیر و برخی بی نظیر است، تفسیر تسنیم از تفاسیر ترتیبی قرآن کریم به زبان فارسی از جمله آثار ارزشمند این عالم ربانی است. روش محوری این تفسیر بر پایه اسلوب تفسیری علامه طباطبایی در تفسیر المیزان یعنی «روش تفسیر قرآن به قرآن» است. (ایمانی خوشخو و تقدسی، ۱۳۹۵: ۲۴)

۴- سماع موتی در تفسیر معارف القرآن و تفسیر تسنیم

دیدگاه این دو مفسر در مسئله مورد بحث در ذیل یا تفسیر آیات مرتبط با موضوع آمده است، از این رو ضرورت دارد آیات مذکور بررسی و دیدگاه این دو اندیشمند استخراج گردد. اینک به بررسی دیدگاه دو مفسر بر اساس آیات قرآن در مسئله قدرت یا عدم قدرت شنیداری اموات پرداخته و تفاوت و تشابه دیدگاه آن ها بیان و در پایان نتیجه تطبیق دو دیدگاه ارائه می گردد.

۱-۴- آیات عدم قدرت شنیداری اموات

۱-۴-۱- آیه ۲۲ سوره فاطر

«وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ» و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می‌رساند و تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته‌اند برسانی!

۱-۴-۱-۱- دیدگاه مفسران فریقین

مفسران اهل سنت در تفسیر این آیه می‌گویند: این آیه تمثیلی است از کفار به مردگان و از مؤمنان به زندگان و با تناسب آن در اینجا منظور از «من فی القبور»، کفار می‌باشد. با این بیان که همان گونه که شما نمی‌توانید مردگان را بشنوید این کفار زنده را هم نمی‌توانید، بشنوید. (طبری، ۱۴۱۲: ۸۵-۸۶) و مفسران شیعه نیز همین دیدگاه را دارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۶) و تفاوت چشم‌گیری بین دیدگاه آنان نمی‌باشد. بر همین اساس می‌توان گفت کلیه دیدگاه مفسران شیعه و سنی در ارتباط با آیه ۲۲ فاطر این است که این آیه ربطی با شنوایی میت ندارد.

۲-۴-۱-۱- دیدگاه مفتی شفیع

مفتی محمد شفیع عثمانی در تفسیر شریفه فوق می‌گوید: «منظور این است که شما نمی‌توانید با شنوایی کلام حق مردگان را به سوی حق راهنمایی کنید؛ زیرا آن‌ها از جهان دارالعمل به آخرت دارالجزا منتقل شده‌اند، در آنجا اگر آن‌ها ایمان هم بیاورند، ارزشی نخواهد داشت، همچنین است وضع کفار. بر اساس آیه مورد بحث منظور از نفی سماع کفار، سماع نافع محض است که با شنیدن آن سوی حق آید. از این تقریر روشن گردید که این آیه با مسئله شنیدن اموات هیچ گونه ارتباطی ندارد» (عثمانی دیوبندی، ۱۳۸۶: ۳۳۱-۳۳۲).

از دیدگاه مفتی شفیع در تفسیر این آیه چند نکته استفاده می‌شود: نخست: در این آیه کفار به مردگان و مؤمنان به زندگان تشبیه شده است. دوم: با تناسب آن در اینجا مقصود از

«من فی القبور» کفار زنده می باشد که شما نمی توانید به آنها حقیقت را بشنوانید. سوم: این آیه با مسئله شنواندن اموات هیچ گونه ارتباطی ندارد.

۳-۱-۱-۴- دیدگاه آیت الله جوادی آملی

علامه جوادی آملی در تفسیر آیه ۲۲ سوره فاطر می گوید: «یک عده واقعاً کورند یک عده واقعاً کُرند مگر این حرف ها با گوش ظاهری کار دارد با گوش ظاهری که همه می شنوند آن گوش باطنی که باید بشنوند این ها واقعاً ندارند یعنی کسی که حقیقتاً کور است با کسی که حقیقتاً بیناست این ها شبیه هم نیستند یعنی این ها واقعاً کورند قوم شعیب به شعیب گفتند «مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ» (سوره هود، آیه ۹۱) ما این حرف هایی که تو می گویی نمی فهمیم اگر کسی معیار معرفت شناسی اش حس و تجربه باشد او احکام عالم غیبی را با چه چیزی می فهمد این ها واقعاً کورند، واقعاً کُرند، واقعاً مرده اند. اینکه فرمود زنده و مُرده یکسان نیست این در حدّ تمثیل نیست اگر تمثیل بود یکی، دو تا کافی بود اما این ها تعلیل است فرمود: «مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ» واقعاً این ها مرده اند اگر حیات حیوانی بگوئید بله، این ها «إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (سوره فرقان، آیه ۴۴) حیات حیوانی دارند احساس دارند، تحیل دارند، غذا می خواهند و مانند آن، اما بخواهند از مرز حیوانیت بالا بیایند تعلّلات انسانی داشته باشند آن حیات را ندارند اگر فرمود: «إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» بنابراین حیات انسانی را واقعاً ندارند». (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۱۲۷)

۴-۱-۱-۴- بررسی و ارزیابی دو دیدگاه

دیدگاه مفتی شفیع و آیت الله جوادی آملی در تفسیر این آیه شبیه یکدیگر است در بیان وجه اشتراک دو دیدگاه می توان گفت: نخست: هر دو مفسّر این آیه را تمثیل کفار به مردگان و مؤمنان به زندگان دانسته اند. دوم: از نگاه هر دو متفکر آیه مذکور با مسئله شنیدن اموات ارتباطی ندارد. در این بخش از آیه «وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ» پروردگار متعال می فرماید: که کفار و افراد مؤمن و مسلمان یکسان نمی باشند و کافران مانند مردگان هستند که حرف حق به دلشان نمی رسد و در ادامه می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ»؛ یعنی

کافران این قدر از باری تعالی دور می‌باشند که خدا نمی‌خواهند آن‌ها را به صراط مستقیم رهنمون سازد و خاستگاه هدایت خدا برای دیگران است. در پایان آیه باری تعالی می‌فرماید: «وَمَا أَنْتَ بِمُتَّبِعٍ مِّنَ فِي الْقُبُورِ» و ای پیامبر شما نمی‌توانی به این کافران حرف حق را بشنوانی.

۲-۱-۴- آیه ۸۰-۸۱ سوره نمل

«إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وُكِّوا مُدْبِرِينَ - وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَى عَن ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ» - مسلماً تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی و نمی‌توانی افراد کَر را هنگامی که روی برمی‌گردانند و پشت می‌کنند فراخوانی! و نیز نمی‌توانی کوران را از گمراهیشان برهانی تو فقط می‌توانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که آماده پذیرش ایمان به آیات ما بوده و در برابر حق تسلیم هستند! آیه ۸۰-۸۱ سوره نمل عیناً در آیات ۵۲-۵۳ سوره روم نیز بیان شده است.

۱-۲-۴- دیدگاه مفسران فریقین

مفسران معروف اهل سنت درباره این آیه می‌گویند معنای «الْمَوْتَى» در این آیه مردگان زنده‌نما هستند که تعصب، لجاجت و استمرار بر گناه دارند، همچون کفاری که از شنیدن حق محروم و با عناد از پذیرش حق سرپیچی می‌کنند چنانکه گویی نمی‌شنوند. (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۵۷۱) نظر مفسران معروف شیعه نیز در تفسیر این آیه مثل مفسران اهل سنت است و چندان تفاوتی میان آن‌ها دیده نمی‌شود (دمشقی، ۱۴۱۹: ۱۹۰).

۲-۱-۴- دیدگاه مفتی شفیع

مفتی شفیع در تفسیر آیات ۸۰-۸۱ سوره نمل می‌گوید منظور از شنواندن اموات، تشبیهی است به کسانی که از قبول حق سر باز می‌زنند وی می‌گوید: «منظور از شنیدن و شنواندن در اینجا تنها رسیدن صدا به گوش شخص نیست بلکه مقصود سماع و شنیدنی است که مفید باشد. بنابراین منظور از شنواندن، سماع سودمند است و اینکه آن‌ها را به جسد تشبیه

نموده که نمی‌شود به آن‌ها سخن حق بشنوانند بدین معنا است که اگر مردگان سخن حقی هم بشنوند و بخواهند در آن زمان آن حق را قبول کنند به حالشان سودمند نیست؛ زیرا آن‌ها از دنیا که محل ایمان و عمل صالح سودمند برای زندگی اخروی است، گذر کرده‌اند، پس از مرگ و در عالم برزخ یا محشر همه کفار و منکران حق، آرزوی بازگشت به دنیا به منظور انجام عمل صالح می‌کنند ولی آخرت سرای پذیرش ایمان و عمل صالح نیست؛ بنابراین از آیات مذکور بر نمی‌آید که مردگان نمی‌توانند هیچ صحبتی بشنود، پس در حقیقت از مسئله سماع اموات بحث نمی‌کنند» (عثمانی، ۱۳۸۶: ۲۳۳).

۳-۲-۱-۴- دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی در مورد آیات مربوط به صدازدن اموات بر این باور است که در فرهنگ قرآن، گاهی عبارت «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتِي»؛ و «إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا»؛ در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند و بر اساس فرهنگ قرآن، «مردگان» در مقابل «مؤمنان» مطرح شده‌اند و مفهوم آن این است که مؤمن دارای حیات واقعی و شنوا است و در مقابل کافر و افراد لجاجت پیشه، مردگان و ناشنویان هستند؛ بنابراین مفهوم آیه، اثبات ناشنوایی کافران زنده است و دلالتی بر ناشنوایی مؤمنان بعد از مرگ ندارند. علاوه بر اینکه چه بسا منظور از ناشنوایی اموات، تأثیرپذیری از جهت ایمان و کفر باشد به طوری که اگر کافر از دنیا رفته باشند، امکان هدایت به ایمان بعد از مرگ از آن‌ها سلب می‌شود.

۴-۲-۱-۴- بررسی و ارزیابی دو دیدگاه

با تأمل در دیدگاه مفتی شفیع عثمانی و علامه جوادی آملی در مورد صدازدن مردگان درمی‌یابیم که از نگاه آن‌ها آیات مذکور هیچ ربطی به قدرت شنیداری اموات ندارد، بلکه در این آیات کافران را به اموات تشبیه کرده است. این آیات در مورد صدازدن و شنوایی میت ساکت است. اگر گفته شود که ظاهر برخی آیات از جمله آیه شریفه «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتِي» نشان می‌دهد که میت نمی‌شنود، در جواب گفته می‌شود که از ظاهر برخی آیات دیگر برداشت می‌شود که با میت می‌توان صحبت کرد، مثل آیه ۱۵۴ سوره بقره ۷۹ سوره

اعراف؛ بنابراین مردگان دارای قدرت شنیداری هستند و گرنه سخن گفتن با آنها بیهوده است.

۳-۱-۴- آیه ۳۱ سوره رعد

«وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُفِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْئَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَىٰ النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» - اگر به وسیله قرآن، کوه‌ها به حرکت درآیند یا زمین‌ها قطعه‌قطعه شوند، یا به وسیله آن با مردگان سخن گفته شود، (بازهم ایمان نخواهند آورد!) ولی همه کارها در اختیار خداست! آیا آن‌ها که ایمان آورده‌اند نمی‌دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می‌کند (اما هدایت اجباری سودی ندارد!) و پیوسته بلاهای کوبنده‌ای بر کافران به خاطر اعمالشان وارد می‌شود و یا به نزدیکی خانه آن‌ها فرود می‌آید تا وعده (نهایی) خدا فرارسد؛ به یقین پروردگار در وعده خود تخلف نمی‌کند!

۱-۳-۱- دیدگاه مفسران فریقین

این آیه دو گونه تفسیر شده است برخی براین باورند که این آیه به سخن گفتن اموات اشاره دارد (طبری، ۱۴۱۲: ۱۰۲) برخی دیگر می‌گویند به سخن گفتن با اموات اشاره دارد (هواری، ۱۴۲۶: ۳۰۷) برای نمونه در تفسیر عاملی، آیه فوق این‌گونه معنا شده است: «اگر قرآنی باشد که با آیات آن کوه‌ها را به گردش درآورند و یا مسافت‌های بسیار به آن پیمایند و یا به آن کسی با اموات سخن گوید همین قرآن خواهد بود؛ بلکه همه کارها به قدرت خداست که باید قرآنی دگر فرستد. در نتیجه چرا مؤمنان آسوده‌دل نیستند که اگر سرنوشت حق باشد همه مردم را به راه راست برد» (عاملی، ۱۳۶۰: ۵/۲۴۸) در هر دو صورت از این آیه عدم قدرت شنیداری اموات استنباط نمی‌شود؛ زیرا آیه به درخواست کفار و مشرکان از پیامبر اکرم (ص) برای زنده کردن مردگان اشاره دارد تا بتوانند با آنان صحبت کنند یا بتوانند حق بودن نبوت پیامبر را از آنان سؤال کنند (بغدادی، ۱۴۱۵: ۲۰۳)

بنابر آنچه گذشت نمی‌توان ادعا کرد که مردگان فاقد قدرت شنیداری هستند، زیرا این آیات ناظر به کسانی که از حیات دنیوی خارج و به حیات برزخی وارد شده‌اند، نمی‌باشد، بلکه درباره کافران لج بازی است که با عناد از پذیرش حق سرباز می‌زنند.

۲-۳-۱-۴- دیدگاه مفتی شفیع عثمانی

مفتی شفیع عثمانی می‌گوید سخنانی که ذیل آیه مذکور بیان شده است بیانگر آن است که کافران و کسانی که عناد می‌ورزند هیچ‌گاه متنبه نمی‌شوند و هرگز ایمان نمی‌آورند. ایشان اشاره‌ای به قدرت شنیداری مردگان ندارد: «معنی این است که اگر به وسیله قرآن به صورت معجزه به این خواسته‌هایشان جواب مثبت داده شود، باز هم آنان ایمان نخواهند آورد؛ زیرا آنان قبل از این خواسته‌ها چنین معجزاتی مشاهده کرده‌اند» (عثمانی، ۱۳۸۶: ۴۱۰-۴۱۱).

۳-۳-۱-۴- دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

استاد جوادی آملی نیز بر این باور است که این آیه بیانگر حرف‌نشوی کافران است، وی ذیل تفسیر این آیه چنین می‌گوید: «این آیه مبارکه سوره رعد اموری را در بر دارد: امر اول آنکه اگر به پیشنهادهای کفار عمل بشود و به برکت قرآن کریم کوه‌ها کنده بشود و زمین به صورت یک دشت پهن دربیاید و همچنین چشمه‌ها بجوشد و نهرها جاری بشود و از این جهت زمین قطعه‌قطعه بشود یا به برکت قرآن کریم مرده‌ها زنده بشوند سخن بگویند و سخن بشنوند این گونه از معجزات چشمگیر را اگر خدای سبحان انجام بدهد به دست حضرت هرگز این‌ها ایمان نمی‌آورند» (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۱۳۲).

۴-۳-۱-۴- بررسی و ارزیابی دو دیدگاه

چنانکه گذشت میان دیدگاه مفتی شفیع عثمان و علامه جوادی آملی در این زمینه تفاوتی وجود ندارد و هر دو مفسر بر این باورند که این آیات بیانگر حرف‌نشوی کافران و ایمانی که نخواهند آورد، می‌باشد. دو مفسر در مقام تفسیر این آیات سخنی از دلالت آن‌ها بر عدم قدرت شنیداری اموات به میان نیاورده‌اند، بلکه هر دو قرآن‌پژوه، آیات مورد بحث را

ناظر بر هدایت ناپذیری کفار و عدم پذیرش ایمان به اختیار خودشان می‌دانند.

۴-۲- آیات قدرت شنیداری اموات

۴-۲-۱- آیات ۱۶۹-۱۷۰ سوره آل عمران

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ - فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاسْتَبْشِرُوا بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» - (ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگان‌اند! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. آن‌ها به خاطر نعمت‌های فراوانی که پروردگار از فضل خود به ایشان بخشیده است، خوشحال‌اند و به خاطر کسانی که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند [مجاهدان و شهیدان آینده]، خوشوقت‌اند (زیرا مقامات برجسته آن‌ها را در آن جهان می‌بینند و می‌دانند) که نه ترسی بر آن‌هاست و نه غمی خواهند داشت.

۴-۲-۱-۱- دیدگاه کلی مفسران فریقین

مفسران اهل سنت در ذیل این آیه احادیث مربوط به زنده‌بودن و سکونت در بهشت برزخی را در تفاسیر خود آورده و آن را دلیل بر ادعای خود مبنی بر زنده‌بودن شهیدان یا تمامی انسان‌ها در حیات برزخی دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۱۶: ۹۵). برخی دیگر حیات بعد از مرگ را مخصوص شهدا ندانسته بلکه به تمامی مؤمنان نسبت داده‌اند. (ابوحیان اندلسی، ۱۴۰۷: ۴۳۰) در میان مفسران شیعه نیز این مسئله پذیرفته شده است و مانند اهل سنت برخی این آیه را شهادی بدر (بلخی، ۱۴۲۳: ۳۱۴)، برخی شهادی احد (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹: ۱۵۲) و برخی در مورد هر دو شهدا می‌دانند (رازی، ۱۵) با این بیان مشخص می‌شود همه مفسران حیات بعد از مرگ را قبول کرده‌اند.

۴-۲-۱-۲- دیدگاه مفتی شفیع عثمانی

مفتی شفیع می‌گوید از این آیه استفاده می‌شود که هوشیاری و آگاهی پس از مرگ و

زندگی دنیوی نیز تداوم دارد، اینکه گفته شود این امر ویژه شهدا است نه مردگان دیگر، درست نیست بلکه پس از مرگ زندگی انسان‌ها با آگاهی بر روی زمین زندگی ادامه می‌یابد. وی با استناد به آیه ۱۶۹ آل‌عمران می‌گوید به شهدا در قبورشان زندگی خاصی عنایت شده است، این خود نوعی زندگی برزخی می‌باشد و شنیدن در آنجا ممکن است (عثمانی، ۱۳۸۶: ۲۳۵-۲۳۷).

۳-۱-۲-۴- دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی معتقد است در این آیه پروردگار سبحان هم وضع شهید را به بازماندگان اعلام می‌کند و هم از هم‌زمان شهید به او گزارش می‌دهد تا از سویی بازماندگان اعتراض و توهمی سوء نداشته باشند و از سوی دیگر راهیان کوی شهادت تشویق شوند، بعلاوه اینکه زندگی برزخی را که برای مسلمانان معتقد به اصل معاد، روشن نبود تبیین می‌فرماید و مژده می‌دهد که شهیدان هم‌اکنون از زندگی ویژه برزخی برخوردارند و در آن برزخ که روضه‌ای از ریاض بهشت است از رزق و نعمت و فضل الهی بهره‌مندند (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۲۷۷).

ایشان در مورد سماع موتی و قدرت شنیداری اموات و شهدا بر اساس این آیه معتقد است که «شهید به احوال مردم از راه خبر گزارشگران الهی آگاهی می‌یابد و همچنین به اوضاع برزخ و قیامت علم حضوری دارد و به‌طور مستمر که از فعل مضارع «یَسْتَبْشِرُونَ» استفاده می‌شود استبشار می‌کند؛ یعنی نشاط از راه بشارت می‌طلبد تا مسرور گردد و پروردگار یا مدبران الهی حال رهپویان ملحق نشده را به شهدا بشارت می‌دهند و آن‌ها خوشحال می‌شوند: «الْأَخْوَفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» بنابراین شهید وقایع عالم برزخ را می‌بیند؛ ولی از امور دنیا هم غافل نیست» (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۲۷۷).

۴-۱-۲-۴- بررسی و ارزیابی دو دیدگاه

تفاوت قابل تأملی در دیدگاه دو مفسر در مقام تفسیر این آیه مشاهده نمی‌شود، آیت‌الله جوادی آملی با تفصیل بیشتری به مسئله پرداخته و از کلام او برمی‌آید که وی با بهره‌گیری

از اندیشه‌های فلسفی و عرفانی، حیات را امری تشکیکی (شدت و ضعف پذیر) دانسته و مرتبه حیات برزخی شهدا را بالاتر می‌داند، ولی مفتی عثمانی به این اصل التفات ندارد و در نحوه قدرت شنیداری اموات یا شهدا بر اساس مبانی کلامی خود ذیل این آیه سماع موتی شهدا را به قدرت پروردگار و به اذن ایشان ممکن می‌داند.

در مقام شباهت دیدگاه دو مفسر می‌توان گفت هر دو بر اساس آیه موردنظر بر اصل سماع موتی اموات تأکید دارند، به تبع پذیرش اصل قدرت شنیداری مردگان، لوازم آن مانند قدرت ارتباط برقرار کردن اموات با زندگان دنیا و آگاهی از احوال آن‌ها و... نیز مورد قبول هر دو می‌باشد. شباهت دیگر این دو دیدگاه، تأیید زندگی ویژه‌ای است که به شهدا در زندگی پس از مرگ عنایت شده است، از نگاه آن‌ها این آیه به وضوح بر آن دلالت دارد زیرا اصل زندگی پس از مرگ و آثار مترتب بر آن در آیاتی دیگر از قرآن کریم آمده است ولی در این آیه با تأکید زندگی شهدا، ویژه بودن آن استفاده می‌شود.

۲-۴-۴- آیات ۷۹-۸۰ سوره اعراف

«فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَهُ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ فَاصْبِرُوا لِمَا نَزَّلْنَا بِهَذَا الْقُرْآنِ فَاعْتَبِرُوا وَرَبِّكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (۷۹-۸۰ سوره اعراف)
«ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید! و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچ‌یک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟!»

۱-۲-۲-۴- دیدگاه کلی مفسران فریقین

مفسران اهل سنت در ذیل تفسیر این دو آیه با یادآوری خطاب پیامبر اکرم (ص) به کشته شدگان در جنگ بدر شباهت این دو خطاب را تأیید کرده‌اند (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۵: ۴۰۱) ولی در مورد اینکه آیا این خطاب پیش از مرگ بوده یا بعد از وفات در میان آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. (حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۰۴)

می توان گفت همه مفسران تشیع، ندا کردن عذاب شدگان قوم حضرت صالح توسط آن حضرت را بعد از نابودی آن‌ها دانسته‌اند (کاشانی، ۱۴۲۳: ۶۰) و تعداد اندکی از این مفسران آن ندا را پیش از مرگ و هنگام مشاهده آثار عذاب یا هنگام پی کردن ناقه حضرت صالح دانسته‌اند (بلخی، ۱۴۲۳: ۴۷). برخی نیز به شباهت خطاب حضرت صالح (ع) با خطاب پیامبر (ص) در جنگ بدر اشاره کرده‌اند (شیر، ۱۴۰۷: ۳۸۵). بیشتر مفسران شیعه ندا کردن عذاب شدگان قوم حضرت صالح (ع) توسط آن حضرت را بعد از هلاکت آن‌ها دانسته‌اند (طبرسی ۱۳۷۲: ۶۸۰).

با عنایت به این که حضرت صالح (ع) عذاب شدگان قومش و پیامبر اعظم (ص) کشتگان بدر را خطاب نموده هم سماع اموات اثبات می‌شود و هم سماع آنان؛ زیرا با اثبات سماع اموات توسط آن دو حجت خدا، قدرت سماع اموات نیز اثبات می‌شود؛ زیرا از پیامبر خدا عمل بیهوده سر نمی‌زند و حدیث دیگری که حاکی از شنیدن صدای پای رهگذران توسط اموات بود نیز این مطلب را بیشتر تأیید می‌کند.

۲-۲-۴- دیدگاه مفتی شفیع عثمانی

وی در تفسیر آیات مذکور قدرت شنیداری اموات را تأیید می‌نماید و خطاب پیامبر (ص) به کشته شدگان جنگ بدر را مؤید این مدعا می‌داند او می‌گوید: «...پس از نزول عذاب بر قوم حضرت صالح و همراهان مؤمن او آنجا را ترک و به جای دیگری نقل مکان نمودند. در بعضی روایات آمده است که همراه با حضرت صالح چهار هزار نفر مؤمن بود که به منطقه ای در یمن به نام «حضر موت» رفتند و حضرت صالح در آنجا وفات یافت، هر چند برخی روایات بیانگر آن است که او به مکه معظمه رفته و در آنجا وفات یافته است. از ظاهر عبارت معلوم می‌شود که حضرت صالح به هنگام رفتن، قوم خود را خطاب فرمود که: ای قوم من پروردگام را به شما رسانیدم و نسبت به شما خیر خواهی نمودم اما متأسفانه شما خیر خواهان را نمی‌پسندید. حال این سؤال مطرح می‌گردد که اگر همه قوم نابود شدند خطاب به آن‌ها به چه معنی است؟ شاید هدف این خطاب عبرت دیگران باشد مانند خطایی که آن حضرت به کشتگان قریش در جنگ بدر نمود و نیز ممکن است که

این خطاب حضرت صالح قبل از نزول عذاب و هلاکت قوم باشد اگرچه از نظر یادآوری مؤخر باشد.» (عثمانی، ۱۳۸۶: ۴۲۵)

۳-۲-۴- دیدگاه آیت الله جوادی آملی

عَلَّامَه جوادی آملی ذیل این آیه می گویند پیامبر اسلام (ص) بعد از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر سر در گودال اجساد کافران نموده و خطاب به آنها نکاتی فرمودند. ایشان در مورد آیه ای که در مورد قوم صالح گفته شد نیز بر چنین اعتقادی هستند؛ یعنی حضرت صالح وقتی به قوم خود رو می کند که از دنیا رفته و دعوت و هدایت تمام شده است، مانند حضرت نوح وقتی یقین پیدا می کند که دیگر فایده ای ندارد رو به آنها می کند و مانند همین سخنان پیامبر را به قوم بیان می کند (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۱۸۹). همچنین روایت های آیت الله جوادی آملی که ذیل تفسیر خود بر آیه ۷۹-۸۰ سوره اعراف بیان می کند مستقیماً بر این مسئله تأکید دارد که ایشان به قدرت شنیداری اموات یا همان سماع موتی تأکید دارند و این مسئله را امری ممکن می دانند که اموات بعد از مرگ می توانند بشنوند و درک کنند.

۴-۲-۴- بررسی و ارزیابی دو دیدگاه

هر دو مفسر سماع موتی را امری ممکن دانسته و بهترین دلیل بر امکان آن را وقوع آن دانسته اند و تأکید دارند پدیده هایی همچون سخن گفتن حضرت صالح (ع) با قوم خود و سخن پیامبر اسلام (ص) با اجساد جنگ بدر بیانگر قدرت شنیداری مردگان است. هر دو مفسر قطع ارتباط اموات با دنیا را از جهت ایمان، هدایت و انجام عمل صالح می دانند که به آنها گفته می شود فرصت هدایت به پایان رسیده است؛ یعنی مردگان فرصت عمل نیک و جبران مافات را از دست داده اند.

۳-۲-۴- آیه ۱۵۴ سوره بقره

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» - و به آنها که در راه

خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید!

۱-۳-۲-۴- دیدگاه مفسران فریقین

در مورد این آیه نیز مانند آیاتی که ذکر آن‌ها گذشت مفسران اهل سنت اشاره به شهدای جنگ بدر و احد دارند، با این تفاوت که برخی مفسران آن را مربوط به شهدای این دو جنگ (جصاص، ۱۴۰۵: ۱۱۶) و برخی مربوط به کل شهدا می‌دانند (طبری، ۱۴۱۲: ۲۳). بر اساس چنین فهمی از آیات مذکور، مفسران اهل سنت این آیه و نظایر آن را دلیل بر زندگی برزخی و روحانی و پهن بودن سفره بی‌منت و نعمت‌های الهی و عدم عذاب قبر دانسته‌اند. به بیان طبری کسانی که در راه اهداف الهی شهید می‌شوند زنده‌اند و در اوج خوشی و لذت می‌باشند و دیگر مردم از لذت‌ها بی‌بهره خواهند بود (طبری، ۱۴۱۲: ۲۵). از دیدگاه مفسران شیعه نیز این آیه در مورد شهدا است اما درباره مصادیق آن اختلاف دیدگاه وجود دارد. برخی مصادیق آن را شهدای جنگ بدر می‌دانند (کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۶۷) برخی دیگر می‌گویند پروردگار این آیه را نازل کرد تا به مردم بفهماند وقتی کسی در راه پروردگار کشته شود به او مرده نگویند (رازی، ۱۴۲۰: ۲۳۹)، برخی نزول این آیه را مربوط به زمانی می‌دانند که مشرکان می‌گفتند حضرت محمد(ص) دیگران را در جنگ به کشتن می‌دهد. بیشتر مفسران شیعه این آیه را دلیل بر حیات برزخی دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۶)، از نگاه همه مفسران اهل سنت و تشیع شهدا در اوج لذت و خوشی می‌باشند و دارای قدرت حواس، توانایی دیدن و شنیدن هستند و اگر در مواردی اختلاف مشاهده می‌شود به تعمیم قدرت شنیدن و ادراک به همه مردگان است.

۲-۳-۲-۴- دیدگاه مفتی شفیع عثمانی

ایشان درباره این آیه و زندگی و مقام شهدا چنین می‌گوید: «به مقتولی که در راه خدا کشته می‌شود شهید می‌گویند و درباره او به کار بردن این عبارت که او مرده است هم صحیح و جایز است اما از اینکه مرگ او مانند مرگ سایر اموات قلمداد شود ممانعت شده است زیرا اگرچه روح هر شخصی بعد از مردن به عالم برزخ می‌رسد و به خاطر وجود

حیات در آنجا جزاء و مکافات را احساس می‌نماید اما در آن مقام شهید نسبت به سایر اموات از ویژگی و امتیاز خاصی برخوردار است و این حیات در آثار وجودی او از دیگران قوی‌تر می‌باشد؛ مثال آن مانند سرانگشت‌ها در برابر پاشنه پای می‌باشد که اگرچه در هر دو عضو حیات وجود دارد اما این آثار زندگی در سرانگشت‌ها بیشتر از پاشنه پا احساس می‌شود همچنین آثار حیات در شهدا در مقایسه با دیگر اموات بسیار بیشتر است حتی برخلاف اموات معمول یک اثر و نیروی حیات در شهید روی جسد ظاهری او هم مشاهده می‌گردد؛ به گونه‌ای که علی‌رغم اینکه جسد او مجموعه‌ای از گوشت و پوست می‌باشد اما از تماس با خاک متأثر نمی‌شود و از بین نمی‌رود بلکه مانند جسم زنده درون قبر زنده و سالم می‌ماند، احادیث و مشاهدات گواه بر این حقیقت می‌باشند، بنابراین شهدا با توجه به این امتیاز زنده گفته می‌شوند و از اینکه مثل سایر اموات به آن‌ها مرده گفته شود ممانعت به عمل آمده است» (عثمانی، ۱۳۸۶: ۶۰-۶۱).

۳-۲-۴- دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

ایشان می‌گویند در صدر اسلام از سوی برخی گروه‌ها دو توهم درباره شهادت مطرح بود: عده‌ای آن را «نابودی» و زوال می‌پنداشتند و گروه دیگری که حیات بعد از مرگ را باور داشتند، آن را سبب «ناکامی» و محرومیت می‌دانستند. نهی آیه شریفه مورد بحث از اطلاق «میت» بر «شهید» در ردّ توهم نخست است. اطلاق کلمه «موت» از قبیل توقیفی بودن اسماء نیست تا کسی مُجاز نباشد این واژه را درباره شهیدان به کار ببرد. معنای آیه مورد بحث، نهی از استعمال واژه «اموات» و امر به استعمال واژه «أحیاء» نیست؛ یعنی: «لا تقولوا أموات بل قولوا أحياء». در آیه مورد بحث دستور استعمال واژه خاص نرسیده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۶۰۹)

او دلایل خود را این‌گونه آورده است که «نهی آیه شریفه مورد بحث از به کار بردن تعبیر «اموات» درباره شهیدان، ردّ کسانی است که آنان را نابود شده و بی‌اثر می‌پنداشتند. ممکن است دیگران با مرگ محو شوند و اثر دنیایی آنان زایل گردد؛ لیکن شهیدان که زنده و مثل اعلای آیه شریفه «وَجَعَلْنٰی مَبَارَكًا اَیْنٰ مَآ کُنْتُ» هستند، در همه جا منشأ اثرند.

حیات طوبا و برتری که شهید بدان رسیده، هم دنیا و هم برزخ را زیر پوشش می‌گیرد، بعد او زنده و منشأ اثر است و از اثر او تنها بازماندگان وی و اهل دنیا بهره‌مند نمی‌شوند، بلکه همان‌گونه که به بازماندگان و اهل دنیا صفا می‌دهد و آنان را بیدار و نورانی می‌کند، به گذشتگان و برزخیان هم که بر آنان وارد می‌شود نور و روح و ریحان می‌بخشد و شعاع برکتی که نصیب این انسان وارسته می‌شود به اندازه‌ای وسیع است که اهل قبرستانی که در آنجا دفن شده تا مدتی متنعم‌اند: «طبتم و طابت الأرض الّتی فی‌ها دفنتم» (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۶۱۰).

۴-۳-۲- بررسی و ارزیابی دو دیدگاه

بر اساس برخی آیات قرآن کریم از جمله آیه شریفه مورد فوق‌الذکر، هر دو مفسر، زندگی برزخی همه مردگان را پذیرفته و زندگی پس از مرگ شهدا و مقام ویژه آن‌ها را امری مسلم می‌دانند که در اوج خوشی و لذت بوده و هم‌تراز با پیامبران و اولیا است. با این تفاوت که مفتی شفیع عثمانی به صراحت به قدرت شنیداری ویژه شهدا و تأثیر آن‌ها بر سایر افراد از جمله مدفون‌شدگان هم‌جوار آنان نمی‌پردازد و در کلام وی چنین‌شانی برای شهدا مشاهده نمی‌شود. در حالی که آیت‌الله جوادی آملی به صراحت می‌گوید شهدا علاوه بر این که به بازماندگان و اهل دنیا صفا و بیداری می‌بخشند به گذشتگان و دیگر برزخیان نیز نور می‌دهند و همه از برکات آن‌ها بهره‌مند می‌شوند حتی افرادی که در کنار آن‌ها دفن شده‌اند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به مقایسه دیدگاه دو مفسر بزرگ مسلمان - مفتی محمد شفیع عثمانی و آیت‌الله جوادی آملی - در مسئله قدرت شنیداری مردگان (سماع موتی) پرداخته شده است، این پژوهش نشان می‌دهد که هر دو دانشمند بر اساس مستندات قرآنی و روایی و تحلیل و تفسیر آیات مرتبط با مسئله حیات پس از مرگ، می‌گویند شهدا در پیشگاه پروردگار زنده، حاضر و دارای قدرت شنیدن می‌باشند، زیرا یکی از ویژگی‌های افراد زنده، قدرت

شنوایی آنان است. البته همه مفسران بر اساس ظاهر آیات قرآن کریم، این اصل را در مورد شهدا می‌پذیرند و اختلاف در مورد سایر اموات می‌باشد. هردو دانشمند مذکور با بهره‌گیری از دلایل و شواهد قرآنی زندگی برزخی پس از مرگ دنیوی را برای عموم انسان‌ها مسلم دانسته‌اند، از این رو قدرت شنیداری را برای عموم برزخیان ممکن می‌دانند. همچنین هر دو مفسر قرآن کریم بر این باورند چنانچه معنای ظاهری برخی آیات بیانگر عدم قدرت شنیداری اموات است، از باب تمثیل و تشبیه کافران به مردگان می‌باشد، یعنی گویی فاقد حیات بوده و از شنیدن سخن حق محروم هستند، در واقع این دسته آیات بیانگر مرگ فکری و معرفتی کفار معاند می‌باشد و ارتباطی با مسئله قدرت شنیداری مردگان در زندگی برزخی-پس از زندگی دنیوی- ندارد. هر دو شخصیت موردنظر با استناد به شهادی جنگ بدر و احد و سخن گفتن پیامبر اسلام (ص) با کشته‌شدگان کفار و نیز سخنان حضرت صالح (ع) پس از نازل شدن عذاب بر قومش و شواهد و قرائنی دیگر بر آن‌اند که همه مردگان دارای زندگی برزخی می‌باشند، ولی شهدا، زندگی برزخی متفاوتی دارند، آنان دارای مقامی متعالی و در ناز و نعمت و آسایش و آرامش به سر می‌برند. به نظر می‌رسد تفاوت جزئی دیدگاه این دو مفسر در مسئله موردنظر به مبانی فکری آن‌ها برمی‌گردد، آیت‌الله جوادی بر اساس اندیشه فلسفی عرفانی خویش زندگی را امری تشکیکی دانسته و شهدا را در عالم برزخ دارای مرتبه زندگی برتر می‌داند، به گونه‌ای که پس از مرگ دنیوی برزخیان و مردگان تأثیرگذار هستند. ولی کلام مفتی شفیع عثمانی در این زمینه مطلق و کلی بوده و سخنی از مقامات برزخی و تأثیرگذاری شهدا بر دیگران به میان نمی‌آورد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohammad Tayeb
Bameri



<https://orcid.org/0000-0002-4946-8316>

SeydMohammad Hossein
Moosavi



<https://orcid.org/0009-0004-3921-5591>

Ebrahim Noori



<https://orcid.org/0000-0003-4474-6341>

منابع

قرآن الکریم

ابن عطیه اندلسی، ابو محمد (۱۴۲۲ ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۲۰)، *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
اخویان، محمدعلی، امیدیان، امید (۱۳۹۶). *حیات برزخی و سماع موتی*، مقایسه دیدگاه ابن تیمیه و ابن قیم جوزی با دیدگاه وهابیت، *فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی - کلامی*، سال ۷ شماره

۲۷

ایمانی خوشخو، مریم و تقدسی، زینب (۱۳۹۵). *مبانی، روش و گرایش تفسیر تسنیم*، *سراج منیر* شماره ۲۵.

بلخی، مقتل بن سلیمان (۱۴۲۳). *تفسیر مقتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹). *تفسیر تسنیم*، مرکز نشر اسراء.

جصاص، ابوبکر احمد بن علی رازی (۱۴۰۵). *احکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
خوش صحبت، مرتضی (۱۳۹۳)، *معاد جسمانی از منظر علامه طباطبائی*، نشریه معرفت کلامی، سال ۵، شماره ۱

رازی، ابن ابی حاتم (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن العظیم مسنداً عن الرسول و الصحابه و التابعین*، ریاض مکتبه نزار مصطفی الباز.

رفیعی، ولی الله (۱۳۹۹). *آشنایی با زندگی و مقامات عالم مشهور اهل سنت پاکستان*، وبگاه آوای سنت

شبر، سید عبدالله بن محمدرضا (۱۴۰۷)، *الجواهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین*، تحقیق سید محمد بحر العلوم، کویت، مکتبه الالفین.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۴۱۶) *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*. قم، دارالهجره.

عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). *تفسیر عاملی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.

عثمانی، محمدشفیع (۱۳۸۶)، معارف القرآن، محمدیوسف، حسین پور، تربت جام، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.

عیاشی، ابونصر (۱۳۸۰)، کتاب التفسیر، تهران چاپخانه علمیه.

کاشانی، ملافتح الله (۱۴۲۳)، زیاده التفاسیر، قم بنیاد معارف اسلامی.

کاشفی سیزواری، کمال الدین (۱۳۶۹)، مواهب علیه، نائینی، تهران، اقبال.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران، کتاب فروشی مرتضوی.

مصلحی، صادق (۱۳۹۲). سماع موتی و رابطه آن با توسل به ارواح اولیای الهی، مجله سراج منیر، سال اول، شماره ۹.

مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

معلوف، لوئیس (۱۳۷۹)، المنجد، تهران، انتشارات اسلام.

واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۵). الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دار القلم.

واعظی، احمد (۱۳۸۷)، علم دینی از منظر آیت اله جوادی آملی، روش شناسی علوم انسانی، ش

۵۴

هواری، هود بن محکم (۱۴۲۶). تفسیر کتاب الله الجزایر، دارالبصائر.

References

Holy Quran

Ameli, Ebrahim (1981). *Tafsir al-Ami, Ali Akbar Ghafari's research*, Tehran, Sadouq. [In Persian]

Abulfatuh Razi, Hossein bin Ali (1999), *Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinan, Mashhad*, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [In Persian]

Akhovian, Mohammad Ali, Omidian, Omid (2016). Hayat Barzakhi and Sama Moti, comparing the view of Ibn Taymiyyah and Ibn Qayyim Jozi with the view of Wahhabism, *Theological Research Quarterly*, Year 7, Number 27. [In Persian]

Ayashi, Abu Nasr (2001), *Al-Tafsir Kitab*, Tehran, Elmiya Printing House. [In Persian]

Balkhi, Makhtal ibn Suleiman (2002). *Tafsir of Makhtal ibn Suleiman*, Beirut, Darahiya al-Tratah al-Arabi. [In Arabic]

- Farahidi, Khalil bin Ahmad (1989). *Kitab al-Ain*, Qom, Dar al-Hijrah. [In Arabic]
- Hawari, Hud bin Mogham (2005). *Tafsir Kitab Allah al-Jazir*, Dar al-Basair. [In Arabic]
- Ibn Attiyah Andalusi, Abu Muhammad (2001). *The editor of al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*, Beirut, Dar al-Katab al-Alamiya. [In Arabic]
- Ibn Kathir Damascus, Abu al-Fida (1998). *Tafsir al-Qur'an al-Azeem*, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic]
- Imani Khoshkho, Maryam and Taghdasi, Zainab (2015). Basics, method and trend of interpretation of Tasnim, *Siraj Munir*, number 25. [In Persian]
- Javadi Amoli, Abdullah (2019), *Tafsir Tasnim*, Isra Publishing Center. [In Persian]
- Jisas, Abu Bakr Ahmad bin Ali Razi (1984). *Al-Qur'an*, Beirut, Dar Rehaya al-Trath al-Arabi. [In Arabic]
- Khoshshahbat, Morteza (2013), Bodily resurrection from the perspective of Allameh Tabatabai, *Marefat Kalami magazine*, year 5, number 1. [In Persian]
- Kashani, Mullah Fathullah (2002), *Zubda al-Tafaseer*, Qom Islamic Education Foundation.
- Kashifi Sabzevari, Kamaluddin (1990), *Mohabeh Ali*, Naini, Tehran, Iqbal. [In Persian]
- Moslehi, Sadegh (2012). Sama Muti and its relationship with the appeal to the spirits of divine saints, *Siraj Munir Magazine*, first year, number 9. [In Persian]
- Mostafavi, Hassan (2010), *researching the words of the Holy Qur'an*, Tehran, Translation and Publishing Company. [In Persian]
- Maalouf, Louis (2000), *Al-Manjad*, Tehran, Islam Publications. [In Persian]
- Osmani, Mohammad Shafi (2006), *Ma'arif al-Qur'an*, Mohammad Youssef, Hosseinpour, Torbat Jam, Shaykh al-Islam Ahmed Jam Publications. [In Persian]
- Razi, Ibn Abi Hatim (1998). *Tafsir al-Qur'an al-Azeem based on the Messenger and the Companions and the Companions*, Riyadh School of Nizar Mustafa Al-Baz. [In Arabic]
- Rafiei, Wali Allah (2019). *Acquaintance with the life and authorities of the famous Pakistani Sunni scholar*, Avai Sunnah website. [In Persian]
- Shabar, Seyyed Abdullah bin Mohammad Reza (1986), *Al-Jawhar al-Thamein fi Tafsir al-Kitab al-Mubin*, researched by Seyyed Muhammad Bahr al-Uloom, Kuwait, Maktaba al-Alfin. [In Arabic]
- Siyuti, Jalal al-Din Abdurrahman (1996) *Tafsir al-Jalalin*, Beirut, Al-Noor Publishing House. [In Arabic]
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1996), *Tafsir al-Mizan*, Qom,

- Qom seminary seminary community. [In Persian]
- Tabari, Abu Ja'afar Muhammad bin Jarir (1992), *Al-Bayan collection of interpretation of the Qur'an*, Beirut, Dar al-Marafa. [In Arabic]
- Tareehi, Fakhreddin (1996), *Bahrain Assembly*, Tehran, Mortazavi bookstore. [In Persian]
- Vahidi Neishaburi, Ali bin Ahmad (1994). *Al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*, Beirut, Dar al-Qalam. [In Arabic]
- Vaezi, Ahmad (2008), *Religious science from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli*, Methodology of Human Sciences, No. 54. [In Persian]

استناد به این مقاله: طیب بامری، محمد، موسوی، سید محمد حسین، نوری، ابراهیم. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی

سماع موتی از دیدگاه محمدشفیع عثمانی و آیت‌الله جوادی آملی. پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، ۴ (۷)، ۱۹۱-۲۱۷.

DOI: 10.22054/jcst.2024.77147.1148



Biannual Journal of Research in Shi'a Comparative Kalam is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.